



گفتارهایی  
در باب

# تاریخ نگاری و روش شناسی تاریخی

به اهتمام گروه روش شناسی و تاریخ نگاری

پژوهشکده تاریخ اسلام





پژوهش‌گروه تاریخ اسلام

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۸-۰۵-۰

ISBN: 978-600-7398-05-0

**بخش سوم: پارادایم پوزیتیویسم**

۱. نگاهی به رویکرد پوزیتیویسم در تاریخ ..... ۲۱۳  
نشست علمی با حضور دکتر حسینعلی نوذری
۲. دفاع از تاریخ سیاسی ..... ۲۴۱  
نشست علمی با حضور دکتر احمد گل‌محمدی

**بخش چهارم: پارادایم انتقادی و ساختارگرا**

۱. تاریخ در ترازوی مکتب فرانکفورت ..... ۲۶۱  
نشست علمی با حضور دکتر حسین مصباحیان
۲. تاریخ‌نگاری فمینیستی ..... ۲۸۵  
نشست علمی با حضور دکتر سیمین فصیحی
۳. تاریخ‌نگاری از پایین ..... ۳۰۵  
نشست علمی با حضور دکتر سهیلا ترابی فارسانی
۴. بینش و روش در تاریخ‌نگاری انتقادی ..... ۳۱۹  
نشست علمی با حضور دکتر حسین آبادیان
۵. تاریخ و ساختارگرایی ..... ۳۵۲  
نشست علمی با حضور دکتر حسینعلی نوذری

**بخش پنجم: پارادایم پست‌مدرن**

۱. تاریخ‌نگاری پست‌مدرن ..... ۳۸۵  
نشست علمی با حضور دکتر حسینعلی نوذری
۲. نو روایت‌گری به مثابه‌ی روش شناخت جدید تاریخی ..... ۴۰۲  
نشست علمی با حضور دکتر محمدعلی اکبری
۳. تاریخ به مثابه‌ی روایت ..... ۴۱۹  
نشست علمی با حضور دکتر منصور انصاری
۴. هرمنوتیک و تاریخ ..... ۴۴۲  
نشست علمی با حضور دکتر حسینعلی نوذری

## تاریخ در ترازوی مکتب فرانکفورت

سه نسل و سه چهره (بنیامین، هابرماس و اکسل هانت)

نشست علمی با حضور دکتر حسین مصباحیان

مصباحیان: با سلام و تشکر از شما و از پژوهشکده که این فرصت را در اختیار بنده قرار دادند. بحث در مورد تاریخ‌نگاری و مکتب فرانکفورت و دقیق‌تر، تاریخ در ترازوی مکتب فرانکفورت، سه نسل و سه چهره است. بنیامین: یکی از برجسته‌ترین نماینده‌گان نسل اول، هابرماس: یکی از نمایندگان نسل دوم و اکسل هانت: نماینده‌ی نسل سوم. علاقه‌مندم بحث خود را با جمله‌ای از ژیرگلووس آغاز کنم. جایی که می‌گوید: فلسفه با عقل آغاز نمی‌شود، بلکه با خشم شروع می‌شود یا با امید. این جمله به نحو حیرت‌آوری، هم در مورد کیفیت تأسیس یعنی چرایی و چگونگی شکل‌گیری مکتب فرانکفورت، مصداق دارد و هم در باب چیستی آن. بنابراین من بحثم را به حرمت مکانی که در آن قرار گرفته‌ایم و به دلیل ضرورتی که احساس می‌شود، از یک بحث تاریخی در مورد نحوه‌ی شکل‌گیری مکتب فرانکفورت شروع خواهم کرد. در قسمت دوم می‌پردازم به چیستی نظریه‌ی انتقادی، یا آنچه که کیت کاتباری نام گرفته، یا آنچه که بعدها به مکتب فرانکفورت موسوم شده است، با ارجاع به منابع بسیار مهمی که ماکس هورکه‌ایمر دارد (critical and traditional). در قسمت سوم بحث، وارد حوزه‌ی تفکیک موضوع فلسفه‌ی تاریخ کلاسیک در فلسفه‌ی تاریخ انتقادی یا نظریه‌ی انتقادی تاریخ می‌شوم. و در اینجا مهم‌ترین موضوعی که برای متفکران مکتب فرانکفورت مطرح است، یعنی مدرنیته و پیشرفت را می‌شکافیم. پرسش اساسی که بحث من تعقیب می‌کند، این است: سه نسل از مکتب فرانکفورت، در مواجهه با اصلی‌ترین موضوع تاریخ، یعنی پیشرفت در مدرنیته، چه کردند و چه راه‌حلهایی ارائه دادند؟ من